

بسم الله الرحمن الرحيم

مسجد الاقصی و طرح یهودسازی قدس؛ مسئولیت مسلمانان چیست!؟



(قسمت یازدهم)

(ترجمه)

در بخش‌های قبلی پیرامون اقدامات و فعالیت‌های غیرانسانی که یهود از زمان قیمومیت انگلیس در حق مسجد الاقصی مبارک و سرزمین مطهر و مقدس ماحول آن انجام داد، سخن بعمل آوردیم؛ از غصب و استعمار جزئی از فلسطین در سال ۱۹۴۸م شروع تا به غصب حصه‌ی باقی‌مانده آن در سال ۱۹۶۷م و حتی تا به امروز. بعد از این همه، سوال این جاست که: مسئولیت مسلمانان در قبال این بی‌حرمتی‌ها و جنایاتی که در حق فلسطین انجام می‌پذیرد، چیست؟! مسئولیت مسلمانان ملیاردی از گانا تا فرغانه و از جاکارتا تا تنجه چیست؟! مسئولیت مسلمانان در قبال مسجد الاقصی مبارک که صبح و شام همراه با هر تکبیر (الله اکبر) که از مناره‌های چهارگانه آن بلند می‌شود و آنان را به فریاد می‌خواند، چیست!؟

قبل از این که پیرامون مسئولیت مسلمانان صحبت کنیم، لازم است که برخی از حقایق و وقایع مهم متعلق به اقدامات غرب صلیبی و صهیونیست جهانی در حق مسجد الاقصی و اطراف مبارک آن و موقف امت اسلامی بیان داریم:

۱- غرب خواست تا طرح رژیم یهود، قوی، مستمر و دوامدار باشد، این بدان خاطر بود تا در قدم اول به نیابت از غرب صلیبی منافع و مصالح آن را در سرزمین‌های اسلامی تأمین و محافظت کند و جلو برپایی هرنوع تغییری را که مسلمانان در

سرزمین‌های اسلامی مجاورش می‌خواهند ایجاد کنند، بگیرد؛ بدین معنا که یهود سرلشکر بوده و اولین ضربات و صدمات متوجه وی گردد و وی آن‌را در نطفه خاموش کند. هدف غرب این بود تا یهود به نیابت از آن؛ نیروی نهضتی مسلمانان را نابود کند و پلی برای جلب سریع نیروهای غربی از آن سوی دریاها، اقیانوس‌ها و هم‌چنین از طریق بنادر، فرودگاه‌ها و پایگاه‌های خود در فلسطین باشد. غرب به منظور این دو هدفش به‌طور مستمر و متعاقب فعالیت نموده است تا شرایطی را مهیا سازد که این بدنه غریب و ناآشنا در سرزمین‌های اسلامی مورد قبول واقع شود و دیدگاه مسلمانان نسبت به آن از دشمنی به صداقت، از خصومت به تعاون و از تنافر به مشارکت و تعامل تغییر یابد. غرب برای تحقق این هدفش دست به فعالیت‌های زیادی زد؛ اما در نهایت همه منجر به ناکامی شد، به استثنای آن‌چه را که به‌طور اجبار توسط دست‌نشانده‌ها و مؤسسات منطقه‌ای و بین‌المللی خود تحمیل نمود.

۲- غرب برای نیکو جلوه دادن یهود در سرزمین‌های اسلامی با استفاده از تمام وسایل و اسالیب بین‌المللی و منطقه‌ای تمام سعی و تلاش خود را بخرج داد؛ اما وی در این پلانش به شکست سخت و فجیعی مواجه شد. برخی از اقداماتی که در این جریان بخاطر دخیل‌سازی یهود در نظم سرزمین‌های اسلامی انجام داد، قرار ذیل اند:

۱- جلوه دادن یهود به عنوان یک قدرت برتر در سرزمین‌های اسلامی. هدف غرب این بود تا مردم را قناعت دهد که باید با این واقعیت تعامل نمود؛ زیرا تغییر و ازاله این واقعیت محال است. به همین دلیل، اخباری مبنی بر این‌که یهود ده‌ها بمب‌هسته‌ای و اسلحه کشتار جمعی را شایعه کرد.

۲- وضع کردن قوانین بین‌المللی و حراست از آن از طریق سازمان ملل، که هدف از آن ایجاد دیدگاه جهانی و بین‌المللی مبنی بر ضرورت تعامل با رژیم یهود بود؛ به دلیل این‌که وی عضو ملل متحد و برخی از سازمان‌های دیگر می‌باشد. بدین منظور، چنان‌که قبلاً ذکر نمودیم، تصامیم بین‌المللی را اتخاذ نمود؛ از جمله: تصمیم شماره ۱۸۱ در سال ۱۹۴۷م، تصمیم شماره ۲۴۲ در سال ۱۹۶۷م و به تعقیب آن برخی تصامیم دیگر منطقه‌ای از سوی اتحادیه عرب گرفته شد که به عنوان مثال می‌توان از تصمیم به رسمیت شناسی رژیم یهود در کنفرانس بیروت در سال ۲۰۰۲م یادآور شد.

۳- امضای توافق‌نامه‌های صلح همراهی سرزمین‌های نزدیک و مجاور (مردم فلسطین) و سرزمین‌های اسلامی دور. اولین توافق‌نامه‌ها تحت نام کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸م بین رهبران مصر و یهود به امضاء رسید؛ سپس به تعقیب آن توافق‌نامه اسلو در سال ۱۹۹۳م و سپس توافق‌نامه وادی عربیه در سال ۱۹۹۴م به امضاء رسید. برای این توافق‌نامه‌ها بیش از یک هدف مد نظر گرفته شده بود؛ از جمله: تشویق نمودن به مهاجرت بسوی فلسطین، شعار دادن یهود در خارج مبنی بر پایان جنگ و تحریک مردم فلسطین برای به رسمیت شناختن رژیم یهود از طریق اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی که در آن رأی اعتماد را دو نماینده رسمی کسب نموده و آنان تصامیم اخذ شده در توافق‌نامه‌ها را تعقیب خواهند کرد، باز نمودن راه برای کشورهای غیر دخیل در برقراری ارتباط با یهود تا یهود را در این راستا کمک نمایند و رنگ قانونی دادن مبنی بر وجود یهود در سرزمین غصب شده سال ۱۹۴۸م و اجزای بزرگ سرزمین غصب شده سال ۱۹۶۷م. همه این امور و توافق‌نامه‌ها روی هم رفته در تقویه شوکت یهود و پیشرفت آن در راستای خدمت به پروژه‌ها و سیاست‌های غرب؛ یکی دیگری را همراهی و همکاری می‌نماید.

غرب و صهیونیست جهانی و تهاجم حکام دست‌نشانده شان نتوانستند که امت اسلامی را در پذیرش و قبولیت یهود و یا چیزی مشابه به آن قانع سازند، فقط کامیابی شان تا آن جا بود که از نیروی فزیک، پاسبانی‌ها و قوانین بین‌المللی کار گرفتند. این همان چیزی‌ست که ننتیاهو نخست وزیر رژیم یهود در سال ۲۰۱۷م به مناسبت چهل‌ومین سالگرد توافق‌نامه کمپ دیوید سال ۱۹۷۸م در جلو کنیست بیان داشت، آن‌جا که گفت: «رهبران عرب که در اطراف ما هستند، مانع توسعه و گسترش ارتباطات اسرائیل از طریق صلح نیستند؛ بلکه تنها مانع دیدگاه عمومی است... مانع بزرگ بر سر راه گسترش طرح صلح به رهبران اطراف مان بر نمی‌گردد؛ بلکه به دیدگاه عمومی حاکم در جامعه عرب بر می‌گردد که در طول سالیان متمادی هم‌چو هاون در برابر تبلیغات و دعوت اسرائیل تاب آورده است...»!!

توافق‌نامه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی توان آن‌را ندارند که حب بیت‌المقدس را از قلوب مسلمانان بیرون کنند و دروغ‌های بافته شده در هیچ مقطع زمانی و مکانی واقعیت و ارزش آن‌را تغییر داده نمی‌تواند و نه هم می‌تواند که دیدگاه مسلمانان را نسبت به یهود غاصب، استعمارگر و محارب علیه اقصی و مقدسات آن تغییر دهد؛ زیرا قدس و اقصی جزء عقیده امت اسلامی می‌باشد. چنانکه قبلاً بیان داشتیم؛ در طول تاریخ قدس عامل و سبب وحدت بخشیدن امت علیه تجاوزگران بوده است و در آینده نه چندان دور به اذن الله سبحانه و تعالی نیز باعث وحدت امت خواهد شد. باید گفت که تمام توافق‌نامه‌ها، پیمان‌ها و تصامیم بین‌المللی و منطقه‌ای و تمام انواع عادی‌سازی روابط و خیانت‌ها؛ هیچ‌گاه نمی‌توانند که واقعیت را تغییر دهند و سبب آن اینست که مردم در اصل به حکام خود اعتماد و باور ندارند، باز چگونه ممکن خواهد بود که به خیانت‌های آن‌ها که با همکاری یهود انجام می‌دهند، باورمند شوند؟!!

بارزترین علایم و مظاهر شکست و ناکامی تمام سیاست‌های غرب، یهود و حکام همکارشان را در نکات ذیل می‌توان خلاصه کرد:

- ۱- امت اسلامی تعامل با یهود را در هیچ‌گونه از تصرفات و کارهای شان نپذیرفتند؛ اگر گاهی هم چنین کردند، غالباً یا تحت پوشش هویت‌های اجنبی بوده و یا هم تحت حراست‌های شدید بوده است.
- ۲- نه تنها که ارتباطات قایم بین سرزمین‌های مسلمانان و بین رژیم یهود شکل رسمی را ندارد؛ بلکه ارتباطات تجارتي و فرهنگی و حتی ورزشی بین افراد و مؤسسات قایم نبوده، مگر بشکل نادر و غیر قابل ذکر.
- ۳- اقدامات انجام پذیرفته بر ضد یهود در سرزمین‌های عربی و توصیف شدن آن اقدامات از سوی عموم مسلمانان بعنوان اقدامات قهرمانانه.
- ۴- قطع خرید و فروش اجناس و تولیدات یهود به‌طور شبه کامل در سرزمین‌های اسلامی.
- ۵- مردم فلسطین حاضر نیستند که حتی یک وجب از سرزمین فلسطین را به یهود بدهند، حتی اگر در عوض و وزن آن یهود حاضر به پرداخت طلا شود. حتی سرزمین که یهود در سال ۱۹۴۸م غصب نمود تقریباً ۹۹% آن از روزگار دولت عثمانی ملک اوقاف و یا ملک مشاع و تقسیم نشده است و یا هم املاکی است که از زمان ترک وطن دادن اجباری غصب نمود. اما آن‌چه که از داخل این منطقه به فروش رسیده است، توسط نیرنگ و فریب از طریق تجار مناطق اطراف فلسطین که

خود را عرب تلقی می‌کردند، انجام پذیرفته و یا هم در اصل از طریق رهبران و حکام دست‌نشانده و هم‌پیمان با یهود صورت گرفته است. و این مقدار فروخته شده در سال ۱۹۴۸م نسبت به کل سرزمین فلسطین از ۲٪ تجاوز نمی‌کند.

۶- دیدگاه مسلمانان به‌طور عموم نسبت به اقصی و فلسطین اینست که آن یک سرزمین غصب شده بوده و باید آزاد گردد و تنها مانع امت حکام شان است که برای یهود و صلیبیان مزدوری می‌کنند. اگر مردم برای جهاد در فلسطین فراخوانده شوند، یک ملیارد مسلمان لبیک گفته و در مرزهای فلسطین صف می‌کشند؛ بلی مسلمانان منتظر اجازه جهاد هستند. و این همان چیزی‌ست که یکی از پیشوایان مذهبی یهود در نظرش برای پایان یافتن دولت یهود بیان داشت. ادامه دارد...

نویسنده: استاد حمد طیب

مترجم: محمد مزمل